

بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب خاورمیانه

علی اصغر عباسی اسفجیر^{۱*}، هدی رضایی روشن^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲ صص: ۲۰۷-۲۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲

چکیده

زنان به عنوان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی، ارتباط مؤثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند. آن‌ها علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی، نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند. از این رو با توجه به اهمیت نقش زنان در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، مقاله حاضر به دنبال بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی است. آمارهای مربوط به اشتغال زنان که شامل فعالیت زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و همچنین رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی سرانه) برگرفته از بانک جهانی با استفاده از روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدین ترتیب، یافته‌های تحقیق براساس الگوی اقتصادسنجی در سیزده کشور خاورمیانه (اردن، ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان، عراق، بحرین، یمن) در ۲۰۱۰-۲۰۱۵ است، نشان می‌دهد که متغیرهای اشتغال زنان در تمام بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات اثر مثبت و معنی‌داری بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است. در واقع، فعالیت زنان در بخش‌های اقتصادی مذکور قادر به تبیین تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه می‌باشند. بدین معنی که افزایش فعالیت و اشتغال زنان احتمال افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه را بالا می‌برد. بنابراین توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنان به بازار کار می‌تواند زمینه رشد و توسعه را در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی.

^۱دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

^۲دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه؛ مدرس دانشگاه علمی کاربردی و پژوهشگر.

مقدمه

میزان مشارکت نیروی کار که تدابیر مهمی را برای اقتصاد به همراه دارد، در سراسر جهان بین زن و مرد متغیر است (Catalbas, 2015). نیروی انسانی و به خصوص اهمیت نقش زنان در برنامه‌های رشد و توسعه از جمله موضوعاتی است که توجه صاحب‌نظران کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است و این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که بدون مشارکت زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند؛ دستیابی به توسعه‌ی واقعی میسر نخواهد بود (Al-Imran & Al-Imran, 2014). بنابراین، زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در فعالیتهای اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر و توسعه‌ی پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند (Alizadeh, 2010, quoted by Al-Imran & Al-Imran, 2014). مشارکت زنان در نیروی کار هم از لحاظ برابری و هم بازدهی پسندیده است. مشارکت زنان در نیروی کار از لحاظ برابری موقعیت اقتصادی‌شان را بهبود می‌بخشد و با افزایش ظرفیت توسعه‌ی کشور، به کارایی اقتصادی کمک می‌رساند (Mujahid and Zafar, 2012). به همین دلیل کشورهایی که در مسیر توسعه‌ی سازنده قرار دارند؛ به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه‌ی سالم در گرو وجود زنان فعال و موثر در جامعه می‌باشد. آموزش زنان و مشارکت آنان نقش مهمی در توسعه‌ی کشور داشته به گونه‌ای که حدود نیمی از جمعیت شاغلین را زنان تشکیل می‌دهند. لذا زنان در جامعه یک حرکت اساسی و حساسی را ایفا می‌کنند (Alizadeh, 2010, quoted by Al-Imran & Al-Imran, 2014). بدین ترتیب، با توجه به این‌که مشارکت زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، نقش عمده‌ای در توسعه اقتصاد و پیشبرد اهداف جامعه دارد، هدف کلی این پژوهش، بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه است. برای دستیابی به این هدف، مشارکت زنان در بخش‌های مختلف و تولید ناخالص داخلی سرانه شناسایی شدند.

مبانی نظری

با توجه به این‌که کشورهای در حال توسعه به دنبال دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی برای کم کردن فاصله خود از کشورهای توسعه‌یافته هستند، مطالعات فراوانی به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر رشد این کشورها صورت گرفته است، با وجود این، به مطالعات و تحقیقات بیشتری در این زمینه نیاز است. طبق مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته در زمینه رشد اقتصادی، تأثیرگذاری عوامل متعددی از قبیل نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، فناوری، منابع طبیعی و بسیاری دیگر بر رشد اقتصادی کشورها تأیید شده است (Heydari and Abdul Alizadeh, 2016). در واقع، شرایط اقتصادی مناسب در یک جامعه به طور عمده به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بهبود وضعیت

اقتصادی خانوارها شناخته می‌شود، چرا که وجود چنین شرایطی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل انگیزش در جامعه جهت افزایش تولیدات و درآمدها محسوب گردد. داشتن اطمینان از نتیجه، بر تمایلات و آرزوها اثر می‌گذارد و به صورت انگیزه‌ای برای کسب رفاه بیشتر عمل می‌نماید. اگر کسی اطمینان داشته باشد که درآمد بیشتری به دست خواهد آورد، آن‌گاه برای او تلاش مضاعف برای کسب درآمد از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در حالت عکس وجود شرایط نامساعد باعث کاهش اطمینان افراد از نتایج تلاش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آنان خواهد گردید. در نتیجه این مسأله از طریق تأثیرگذاری بر تمایلات و آرزوهای آنان باعث کاهش انگیزه‌های آنان برای کسب درآمدهای بیشتر و بهبود اوضاع اقتصادی می‌گردد. از طرف دیگر باید عنوان گردد که رشد اقتصادی بالا و برخورداری از شرایط اقتصادی مناسب‌تر، می‌تواند فرصت‌های بیشتری را برای افزایش درآمدهای جامعه از طریق گسترش بازارها، فرصت‌ها و محرک‌های لازم برای افزایش درآمد همه گروه‌های کم‌درآمد جامعه ایجاد نماید. در این وضعیت تولیدکنندگان در پاسخ به فرصت‌های جدید ایجاد شده در بازارها، نیروی کار بیشتری را تقاضا می‌نمایند. این مسأله از طریق جذب کار مازاد و حتی افزایش دستمزدها می‌تواند نقش قابل توجهی در افزایش رفاه جامعه به همراه داشته باشد (Shaikitatsh et al., 2013).

با توجه به ضرورت افزایش واقعی یک شاخص اقتصادی مانند GDP، شناسایی و مطالعه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی از متغیرهایی هستند که می‌توانند این بخش را تحت تأثیر قرار دهند. بوسروپ (Boserup) ادعا می‌کند که امتیاز ویژه‌ی مردان در تحصیلات و فناوری‌های جدید، زنان را در اولین سال‌های رشدشان از کار کردن محروم می‌کند. اما همانطور که توسعه رشد پیدا می‌کند، زنان به تحصیلات و فناوری دست پیدا می‌کنند. این موقعیت حاکی از افزایش میزان مشارکت نیروی کار زن است. بحثی دیگر این است که زمانی که درآمد پایین است، زنان در خط تولید کارگاه‌ها در مزارع شخصی یا نزدیک به خانه مشغول به کار می‌شوند. در همان حال که اقتصاد پیشرفت می‌کند، تمرکز تولید از خانه به کارخانه و از شرکت‌های خانوادگی به دیگر شرکت‌ها تغییر می‌یابد. و این شرایط، کار را برای زنان دشوار می‌کند که هم بچه‌دار شوند و هم به فعالیت‌های تولیدی مشغول باشند. هنجارهای اجتماعی نشان می‌دهد که کارهای دستی در کارخانجات، چندان برای زنان مناسب نیست. از سوی دیگر با پیشرفت اقتصاد، بخش تولید بیش‌تر تبدیل به تولید خرده‌فروشی و کار اداری می‌شود. کارهای این چینی از جوانب بسیاری، کم‌تر، تمیزتر و خوشایندتر می‌شوند (Goldin, 1995). به طور معمول فعالیت‌های اقتصادی زنان در بخش‌های رسمی نظیر صنعت، خدمات و تا حدودی بخش کشاورزی قابل اندازه‌گیری است و با وجود این که اخیراً روش‌های جدیدی برای محاسبه این موارد

ارائه شده است ولی هنوز کاستی‌هایی وجود دارد و بخش زیادی از فعالیت عمده‌ی زنان در ارتباط با کارهای خانگی، تربیت و آموزش فرزندان و ... قابل اندازه‌گیری نیست. از دیدگاه اقتصادی این گونه فعالیت‌های ارزشمند نه تنها در کوتاه‌مدت بلکه در بلندمدت هم در اقتصاد تأثیرگذار است و ارزش مادی و معنوی زیادی را برای جامعه به دنبال دارد. نقش زنان در اقتصاد ایران نیز اغلب به علت مشکل اندازه‌گیری در آمارهای رسمی کم‌رنگ به نظر می‌رسد. بعلاوه، با توجه به این که دستمزد زنان در بخش‌های غیردولتی به مراتب پایین‌تر از مردان است، سهم زنان در محاسبه‌ی ارزش افزوده کمتر نیز می‌شود (Cavand et al., 2011). زمانی که درآمد پایین است و کشاورزی حکم فرماست، مشارکت زنان در نیروی کار بالا است. همانطور که درآمد افزایش می‌یابد، نیاز بچه‌دار شدن نیز بالا می‌رود. این نوع تأثیر درآمد، منجر به کاهش مشارکت زنان در نیروی کار می‌شود. به‌علاوه، استفاده‌ی رو به افزایش از ماشین‌آلات در مشارکت زنان در نیروی کار تأثیر جایگزینی (مثلاً این که مردان از لحاظ جسمی تواناترند) ایجاد می‌کند. بنابراین هم تأثیرات درآمد و هم جایگزینی منجر به کاهش میزان مشارکت زنان در نیروی کار و افزایش درآمد می‌شود (Tam, 2011). از طرفی محاسبات نشان می‌دهد که در همه سال‌های مورد نظر، سهم تولید مردان از زنان بیشتر است که عمده‌ترین دلایل آن می‌تواند نابرابری دریافتی مردان و زنان در فعالیت‌های مشابه از یک طرف و تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان از سوی دیگر باشد (Asadzadeh et al., 2017). ولی به طور کل، گادفری و امانوئل (Godfrey & Emmanuel) بیان کردند که مقدار مشارکت زنان به عنوان نیروی کار در کشورهای توسعه‌یافته در طی سال‌های اخیر تا حد شایانی افزایش یافته است. و در بیشتر کشورهای در حال توسعه روندی رو به رشد نشان داده شده است (Abbasi Asfajir & Rezaei, 2017).

یکی از عقاید مهم در باب بررسی رابطه‌ی بین مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی این است که این رابطه به تغییرات ساختاری طولانی‌مدت و مرور زمان وابسته است. بسیاری از محققان معتقدند که مادامی که از برخی برنامه‌های توسعه‌ای کشورها تبعیت شود، رویکردهای بازسازی شده در تغییرات ساختاری تا حد زیادی روی مشارکت فعال زنان در نیروی کار تأثیر می‌گذارد (Gaddis and Klasen, 2004). شواهد نشان می‌دهد که در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، میزان مشارکت زنان در نیروی کار رو به کاهش است. این در حالی است که در مراحل بعدی رشد اقتصادی مشارکت زنان در نیروی کار رو به افزایش است (Lechman and Kaur, 2015). پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده است که یک رابطه‌ی U شکل بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه‌ی اقتصادی وجود دارد (Kaur & Tao, 2014). در اولین مرحله از توسعه‌ی اقتصادی که قسمت اعظمی از جامعه فاقد مهارت و بی‌سواد هستند و خود اقتصاد از نظر تولید نیروی کار ضعیف است، بخش زیادی از نیروی

کار در حیطه‌ی کشاورزی گمارده می‌شوند. همان‌طور که کشورها به مراحل بالاتر توسعه می‌رسند و بخش‌های صنعتی پررونق‌تر از بخش‌های کشاورزی می‌شوند، مشارکت زنان در نیروی کار کاهش می‌یابد. بنابراین افزایش تدریجی نیروی کار تنها در بخش‌های صنعتی همانند معدن یا ساخت و ساز شرایط را برای مشارکت زنان در نیروی کار سخت می‌کند. در این باره مشاهده شده است که حضور زنان در نیروی کار تا حد زیادی در فرایند صنعتی‌سازی پویا کاهش می‌یابد (Cavalcanti and Tavares, 2011). نتایج بسیاری از پژوهش‌های آکادمیک نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان در نیروی کار در حال کاهش است، در صورتی که در کشورهای در حال توسعه اقتصاد کشاورزی محور در حال تبدیل به اقتصاد صنعت محور است. زمانی که اقتصاد در عصر توسعه به سر می‌برد، مشارکت زنان در نیروی کار آسان‌تر است. در سال‌های اولیه‌ی توسعه‌ی اقتصادی میزان کار آزاد به خصوص در بخش کشاورزی رو به فزونی است. در این دوران زنان می‌توانند خود را به صنعت نیروی کار وفق دهند (Mujahid & Zafar, 2010). به علاوه، زمانی که اقتصاد ملی وارد فرایند توسعه می‌شود و صنایع خدمات پررونق‌تر می‌شوند، بازار کار دوگانه^۱ برای زنان فرصت شغلی ایجاد می‌کند (Cavalcanti and Tavares, 2011). این رابطه، در کشورهای مختلف، توسط افراد مذاهب مختلف (همانند مسلمان و مسیحی) با توجه به هنجارها و رفتارهای مختلف و ارزش‌های فرهنگی و گروهی متغیر است (Fernandez, 2013).

بدین ترتیب با توجه به افزایش جمعیت زنان با تحصیلات عالی و همین‌طور نقش انکارناپذیر زنان در رشد و توسعه اقتصادی جامعه، می‌توان جایگاه زنان را در بخش‌های مختلف تولیدی کشور مورد بررسی قرار داد. این مقاله در پی آن است تا به وضعیت مشارکت زنان در بخش‌های خدمات، کشاورزی و صنعت در کشورهای خاورمیانه (اردن، ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان، عراق، بحرین، یمن) بپردازد و بررسی کند که آیا اشتغال زنان بر تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر دارد؟

پیشینه پژوهش

اسدزاده و همکاران (Asadzadeh et al., 2017) اثر اشتغال و تحصیلات زنان بر رشد اقتصادی در ایران را بررسی کردند. برای این منظور از داده‌های آماری سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۳ و روش الگوریتم جستجوی گرانشی (GSA) و الگوریتم بهینه‌سازی کرم شب‌تاب (FA) استفاده کردند. این پژوهش نشان داد که افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار تأثیر مثبت و معناداری بر تولید

¹ Dual Labor Market

ناخالص داخلی کشور داشته و افزایش میزان تحصیلات آنان در قالب متغیر تقاطعی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان و در نهایت تولید ناخالص داخلی کشور تأثیر مثبت داشته است.

بشیراحسن و قزبانینژاد (Bashirahasan & Ghazbaninejad, 2017) نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی را در دهستان خرمرود واقع در شهرستان تویسرکان بررسی کردند. برای این مطالعه از داده‌های آماری سال ۱۳۹۵ و روش پیمایشی استفاده کردند. این پژوهش نشان داد که مشارکت زنان کارآفرین دهستان خرمرود شهرستان تویسرکان زمینه‌های توسعه اقتصادی منطقه، اشتغال، افزایش درآمد، سرمایه‌گذاری و توسعه تسهیلات را فراهم کرده، با این حال، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع‌بخشی اقتصادی طولانی‌مدت را در سطح منطقه به دنبال نداشته است.

علیقلی (Aligholi, 2016) رابطه نیروی کار زنان و توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی (آذربایجان، بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، نیجریه، عربستان سعودی، ترکیه و ازبکستان) (۱۹۹۰-۲۰۱۳) را با استفاده از روش پنل دیتا مورد آزمون قرار داد. این پژوهش نشان داد که متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و نرخ باروری تأثیر منفی و متغیرهای لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی، نرخ شهرنشینی، نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مدارس ابتدایی، نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مدارس متوسطه و نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مدارس عالی بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارند. همچنین، نتایج نشان داد که بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار زنان و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی یک رابطه غیرخطی و U شکل وجود دارد.

صفاکیش و فلاح محسن‌خانی (Safakish & Fallah Mohsenkhani, 2016) عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران را بررسی کردند. برای این منظور از داده‌های آماری سال ۱۳۹۴ و روش توصیفی استفاده کردند. این پژوهش نشان داد که علت‌های عدم جستجوی کار در بین زنان غیرفعال، بیش از ۷۰ درصد آن‌ها مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی، در حدود ۲ درصد آنان بی‌نیازی از انجام کار و حدود ۱ درصدشان نیز دلسردی از یافتن کار را به عنوان دلیلی برای در جستجوی کار نبودنشان بیان نموده‌اند؛ که این اطلاعات می‌تواند مؤید تأثیر نگرش‌های ارزشی و فرهنگی در مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باشد. همچنین، متوسط زمان سپری شده برای فعالیت‌های خانه‌داری در مردان نسبت به زنان ناچیز است که این امر نیز به نوبه‌ی خود رغبت زنان به فعالیت‌های اقتصادی را کم می‌کند. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران بیش از عوامل اقتصادی معلول نگرش‌های فرهنگی و سنتی موجود در جامعه است.

میلاعلمی و روستایی شلمانی (Mila Elmi & Roostaei Shalmani, 2014) اثر توسعه بر مشارکت اقتصادی زنان کشورهای منا با استفاده از روش پانل پروبیت کسری (۱۹۹۰-۲۰۱۰) را استفاده کردند. نتایج برآورد حاکی از آن است که رابطه‌ی بین توسعه‌ی اقتصادی و نرخ مشارکت زنان کشورهای منطقه منا U شکل است. همچنین، آموزش عالی اثری مثبت و معنادار بر نرخ مشارکت زنان این منطقه دارد. نرخ بیکاری و باروری سبب کاهش حضور زنان در بازار کار شده است. با تأیید فرضیه‌ی U شکل رابطه میان توسعه‌ی اقتصادی و مشارکت زنان و با توجه به دوران گذار کشورهای مورد مطالعه از مراحل توسعه یافتگی، افزایش سطح سواد به ویژه در میان دختران، افزایش نرخ مشارکت زنان در این کشورها مورد انتظار است.

زنگانه و همکاران (Zanganeh et al., 2014) به رتبه‌بندی عوامل مؤثر در اشتغال‌زایی زنان کارآفرین (۱۳۹۲) در بخش تعاون استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس و روش وزن‌دهی آنتروپی‌شانون پرداختند. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های زنان برای اشتغال، رفع نیازهای مادی است. بر این اساس، شغل درآمدزا برای زنان نیازهای مالی آنان را رفع می‌کند و کمکی اقتصادی در بهبود وضعیت مالی خانواده است. عامل جلوگیری از افسردگی در زنان رتبه آخر را در بین گزینه‌های مؤثر در اشتغال‌زایی زنان کسب کرده است.

آل عمران و آل عمران (Al-Imran & Al-Imran, 2014) اثر بررسی تاثیر شاخص‌های زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) (۲۰۰۰-۲۰۱۲) را با استفاده از روش پنل دیتا مورد آزمون قرار دادند. این پژوهشگران دریافتند که شاخص آموزش، شاخص بهداشت و شاخص اشتغال زنان تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و شاخص باروری زنان تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا دارد.

کریمی‌موغاری و همکاران (Karimi Moghari et al., 2013) عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در ایران را بررسی کردند. برای این منظور از داده‌های آماری سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۹۰ و مدل شبکه عصبی مصنوعی استفاده کردند. هدف مطالعه‌شان بررسی تأثیر متغیرهایی چون نرخ پوشش آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی برای دختران، سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی (شاخص مراحل توسعه)، مجذور سهم ارزش افزوده صنعت (شاخص توسعه یافتگی)، نسبت ازدواج به طلاق (شاخص اجتماعی-فرهنگی)، سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی (شاخص اندازه دولت) بر اشتغال زنان در ایران بود. این پژوهش نشان داد که افزایش درجه توسعه یافتگی کشور و بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، بیش‌ترین تأثیر را در افزایش سهم زنان در نیروی کار داشته است.

¹ Artificial Neural Networks

مجاهد و اوز ظفر (Mujahid and Uz Zafar, 2010) رابطه‌ی رشد اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار پاکستان (۱۹۸۰-۲۰۱۰) با استفاده از روش اتورگرسیو با وقفه توزیعی (ARDL^۱) مورد آزمون قرار دادند. نتایج ارتباط بلندمدت رابطه U شکل بین نیروی کار زنان پاکستانی و توسعه اقتصادی را تأیید می‌کند. همچنین افزایش آموزش و پویایی‌های فعالیت اقتصادی، مشارکت زنان را در مراحل بعدی توسعه افزایش می‌دهد.

ابونوری و غلامی (Abonouri and Gholami, 2010) روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان، و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران با استفاده از اطلاعات مقطعی و به تفکیک صنایع، در دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که صنایع «مواد غذایی و آشامیدنی» و «تولید منسوجات»، نسبت به سایر صنایع، دارای بیش‌ترین تعداد کارکنان زن بوده است، بیش‌ترین رشد نسبی شاغلان زن در صنعت انتشار، چاپ، و تکثیر رسانه‌های ضبط شده صورت گرفته است، کارگران ماهر، دارای بیش‌ترین سهم، و مهندسان و تکنسین‌ها دارای کم‌ترین سهم در صنایع کشور و شاغلان زن در قسمت غیرتولیدی، بیش‌ترین سهم، و شاغلان زن تکنسین و مهندس کم‌ترین سهم (اغلب کم‌تر از ۱۰ درصد) اشتغال زنان را در بیش‌تر صنایع ایران به خود اختصاص داده‌اند. برای ارزیابی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان، سهم بنگاه‌هایی که با مدیریت خصوصی اداره می‌شوند (شامل دولتی یا خصوصی)، متوسط جبران خدمات شاغلان زن بنگاه، و فن‌آوری تولید (کاربر یا سرمایه‌بر) بنگاه در درصد اشتغال صنعتی زنان، با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد شده است و نتایج نشان می‌دهد در صناعی که درصد بیش‌تری از بنگاه‌های آن‌ها با مدیریت خصوصی اداره می‌شوند، اشتغال زنان به طوری معنادار بیش‌تر است. افزایش متوسط جبران خدمات شاغلان زن، در بیش‌تر صنایع، موجب افزایش نسبت اشتغال زنان شده است، به گونه‌یی که اثر آن در ۱۵ صنعت (عمومادار صناعی با ماهیت کاری ظریف و مهارت‌های متوسط و نسبتاً پایین) مثبت، و در چهار صنعت معنادار بوده است. در صنعتی که بنگاه‌های آن با فن‌آوری کاربر اداره می‌شوند، نسبت اشتغال زنان به طوری معنادار بیش‌تر است.

وضعیت اشتغال زنان در کشورهای منتخب

جدول ۱ فعالیت زنان را در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات در سیزده کشور اردن، ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان، عراق، بحرین، یمن طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان فعالیت زنان در بخش خدمات بیشتر از دو بخش دیگر (صنعت و کشاورزی) در هر سیزده کشور مذکور

¹ Autoregressive Distributed Lag

است. در ترکیه، فعالیت زنان در بخش خدمات در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ روند افزایشی؛ در ایران نیز، روند افزایشی بوده که البته در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ فعالیت زنان در این بخش کاهش یافته؛ در مصر، فعالیت زنان در این بخش در طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ افزایش یافته و در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ کاهش و در سال ۲۰۱۵ به طور مجدد افزایش یافته؛ همچنین، در عربستان سعودی نیز فعالیت زنان در بخش خدمات طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ روند کاهش داشته که البته در این سال‌ها از نوساناتی نیز برخوردار بوده؛ در کشور اردن، فعالیت زنان در این بخش روندی کاهش یافته در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ داشته و در سال ۲۰۱۴ این مقدار ثابت بوده و در نهایت در سال ۲۰۱۵ به طور مجدد کاهش یافته؛ در اسرائیل، فعالیت زنان در این بخش روندی افزایشی در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ داشته و در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ روندی کاهش و سپس در سال ۲۰۱۵ روندی افزایشی داشته؛ در امارات متحده عربی، این روند افزایشی و در لبنان و یمن، این روند کاهش یافته؛ در کشور کویت، فعالیت زنان در بخش خدمات در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ روندی افزایشی و در سال‌های بعد از آن، روندی کاهش داشته؛ در عراق، فعالیت زنان در این بخش، در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ روندی افزایشی، در سال ۲۰۱۴ این روند کاهش و در سال ۲۰۱۵ این روند افزایش یافته؛ در کشورهای بحرین و عمان روند کاهش یافته که از نوساناتی نیز برخوردار بوده است.

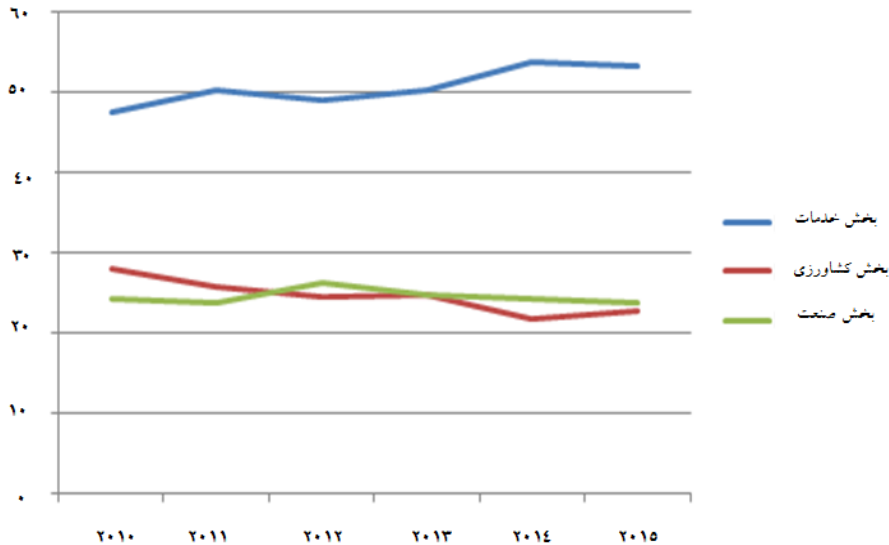
به نظر می‌رسد که میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی در طی این سال‌ها کمتر از فعالیت زنان در بخش خدمات باشد. در ترکیه، فعالیت زنان در بخش کشاورزی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ روندی افزایشی و در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ این روند کاهش یافته؛ در ایران نیز این بخش در طی سال‌های مذکور روند کاهش داشته که البته در طی این دوران از نوساناتی برخوردار بوده؛ همچنین، فعالیت زنان در مصر در این بخش طی سه سال اول روند کاهش داشته و بعد از آن یعنی طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ روند افزایشی بوده و در آخر در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته؛ در یمن، فعالیت زنان در بخش کشاورزی در طی سال‌های مذکور روندی افزایشی داشته؛ در کشور عراق، فعالیت زنان در این بخش در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ روند افزایشی بوده که در سال ۲۰۱۴ این میزان کاهش و دوباره در سال ۲۰۱۵ افزایش داشته؛ در عربستان سعودی، فعالیت زنان در بخش کشاورزی بسیار کم و ناچیز بوده بدین معنی که طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ این مقدار ۰/۲ درصد و ثابت بوده و در طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ۰/۳ و ۰/۵ افزایش یافته؛ در آخر، در اردن، کویت، اسرائیل و عمان فعالیت زنان در بخش کشاورزی ناچیز و ثابت بوده که بعد از آن می‌توان به کشورهای امارات متحده عربی، لبنان و بحرین اشاره کرد که این میزان فعالیت در بین زنان صفر بوده است.

جدول ۱- فعالیت زنان در بخش های اقتصادی (% اشتغال زنان)

ترکیه		ایران			مصر			عربستان سعودی				
صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	
۱۶	۳۹/۲	۴۴/۹	۲۴/۴	۲۸	۴۷/۶	۵/۲	۴۳/۹	۵۰/۹	۱/۶	۰/۲	۹۸/۳	۲۰۱۰
۱۵/۲	۳۹/۳	۴۵/۵	۲۳/۹	۲۵/۹	۵۰/۲	۵/۱	۴۳/۴	۵۱/۵	۱/۵	۰/۲	۹۸/۳	۲۰۱۱
۱۵	۳۷/۱	۴۸	۲۶/۲	۲۴/۶	۴۹/۱	۵/۵	۳۷/۶	۵۷	۱/۶	۰/۲	۹۸/۲	۲۰۱۲
۱۵/۴	۳۵/۶	۴۹/۱	۲۴/۹	۲۴/۹	۵۰/۲	۵	۴۲/۹	۵۲/۱	۱/۹	۰/۲	۹۷/۹	۲۰۱۳
۱۷/۲	۳۲/۸	۵۰/۱	۲۴/۴	۲۱/۹	۵۳/۸	۴/۹	۴۳/۳	۵۱/۸	۱/۷	۰/۳	۹۸/۱	۲۰۱۴
۱۶/۳	۳۱	۵۲/۸	۲۳/۸	۲۲/۸	۵۳/۳	۵/۶	۴۰/۲	۵۴/۲	۱/۶	۰/۵	۹۷/۹	۲۰۱۵
کویت			لبنان			ا.م.عربی						
صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	
۱/۴	۰/۱	۹۵/۸	۶/۹	۰	۹۳	۶/۴	۰	۹۳/۶	۲۰۱۰	۲۰۱۰	۲۰۱۰	
۴	۰/۱	۹۵/۹	۷	۰	۹۳	۵/۷	۰	۹۴/۳	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱	
۱/۴	۰/۱	۹۵/۸	۸/۱	۰	۹۱/۸	۵/۲	۰	۹۴/۸	۲۰۱۲	۲۰۱۲	۲۰۱۲	
۳/۴	۰/۱	۹۵/۶	۸/۶	۰	۹۱/۴	۴/۶	۰	۹۵/۴	۲۰۱۳	۲۰۱۳	۲۰۱۳	
۴/۴	۰/۱	۹۵/۵	۹/۳	۰	۹۰/۷	۴/۵	۰	۹۵/۵	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	
۴/۵	۰/۱	۹۵/۴	۹/۲	۰	۹۰/۷	۴/۵	۰	۹۵/۵	۲۰۱۵	۲۰۱۵	۲۰۱۵	
یمن			بحرین			عراق						
صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	
۱۴/۵	۲۸	۵۷/۴	۹/۱	۰/۱	۹۰/۹	۳/۶	۵۱/۳	۴۵/۱	۲۰۱۰	۲۰۱۰	۲۰۱۰	
۱۴/۳	۳۵/۵	۵۰/۲	۸/۸	۰/۱	۹۱/۲	۳/۷	۵۰/۷	۴۵/۶	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱	
۱۴/۱	۳۹/۷	۴۶/۳	۸/۹	۰	۹۱	۳/۷	۴۷/۵	۴۸/۸	۲۰۱۲	۲۰۱۲	۲۰۱۲	
۱۳/۲	۴۵/۲	۴۱/۵	۸/۶	۰	۹۱/۴	۳/۹	۴۶/۶	۴۹/۴	۲۰۱۳	۲۰۱۳	۲۰۱۳	
۱۲/۸	۵۱/۴	۳۵/۸	۸/۸	۰	۹۱/۲	۳/۹	۴۷/۷	۴۸/۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	
۱۴/۶	۵۶/۷	۲۸/۸	۹/۲	۰	۹۰/۸	۳/۹	۴۶/۹	۴۹/۳	۲۰۱۵	۲۰۱۵	۲۰۱۵	
عمان			اسرائیل			اردن						
صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	صنعت	کشاورزی	خدمات	
۵/۹	۰/۴	۹۳/۷	۹/۴	۰/۸	۸۹/۸	۱۷	۱/۳	۸۱/۸	۲۰۱۰	۲۰۱۰	۲۰۱۰	
۶/۱	۰/۵	۹۳/۴	۹/۲	۰/۵	۹۰/۲	۱۷/۵	۱/۲	۸۱/۳	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱	
۶/۱	۰/۵	۹۳/۵	۸/۵	۰/۶	۹۰/۹	۱۷/۵	۱/۲	۸۱/۲	۲۰۱۲	۲۰۱۲	۲۰۱۲	
۶/۲	۰/۵	۹۳/۳	۸/۵	۰/۷	۹۰/۸	۱۸/۱	۱/۲	۸۰/۷	۲۰۱۳	۲۰۱۳	۲۰۱۳	
۶/۱	۰/۵	۹۳/۴	۸/۲	۰/۶	۹۱/۲	۱۸/۱	۱/۲	۸۰/۷	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	
۶/۴	۰/۵	۹۳	۸/۱	۰/۶	۹۰/۳	۱۷/۸	۱/۲	۸۱	۲۰۱۵	۲۰۱۵	۲۰۱۵	

در بخش صنعت، فعالیت زنان در ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ کاهش داشته و از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۴ روند افزایشی و در نهایت در سال ۲۰۱۵ این میزان دوباره کاهش یافته؛ در ایران، فعالیت زنان در این بخش در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۲۰۱۰ کاهش داشته که البته در این سال‌ها با نوساناتی همراه بوده؛ در مصر، فعالیت زنان در این بخش ناچیز بوده و در طی این سال‌ها به طور تناوبی کاهش و افزایش دیده می‌شود؛ همچنین، در عربستان سعودی میزان فعالیت زنان ناچیز و در مقابل نوساناتی که داشته، تقریباً نیز ثابت بوده؛ سرانجام در کشور اردن، میزان فعالیت زنان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ هرچند با افزایش همراه بوده اما به طور پیوسته افزایش نداشته و در برخی سال‌ها نیز ثابت بوده و در نهایت، فعالیت زنان در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته؛ در کشورهای اسرائیل و امارات متحده عربی، این روند ناچیز و کاهشی؛ در عراق، فعالیت زنان در این بخش ناچیز و افزایشی؛ در کشورهای لبنان، کویت، عمان و یمن به همراه نوساناتی که داشته، افزایشی هم بوده است.

به طور کلی، بخش خدمات بیشترین میزان فعالیت زنان را نسبت به دو بخش کشاورزی و صنعت نشان می‌دهد. با مقایسه بخش کشاورزی و صنعت در کشورهای ترکیه، مصر، عراق و یمن، فعالیت زنان در بخش کشاورزی بیشتر از بخش صنعت بوده و در کشورهای عربستان سعودی، اردن، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان و بحرین، این میزان معکوس است. فعالیت زنان در بخش صنعت و کشاورزی در ایران، بسیار به هم نزدیک بوده و تفاوت بین آن‌ها ناچیز می‌باشد. شاید بتوان گفت، گروه صنعت و کشاورزی تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌توانند بر تولیدات داشته باشند که مساعدات بانکی به بخش صنعت نقش قابل توجهی در این رشد ایفا کرده است. همچنین، بخش خدمات از اهمیت ویژه‌ای در فرایند رشد تولید ناخالص داخلی برخوردار می‌باشد. در اقتصادی که بخش کشاورزی، صنعت و خدمات قابلیت رشد و توسعه را داشته باشد، بر توسعه و رشد تولید ناخالص داخلی هر کشور نیز آثاری بسیار حیاتی خواهد داشت. بدین ترتیب، تعادل بخشی شکاف جنسیتی شغلی جهان می‌تواند تولید ناخالص داخلی جهان را افزایش دهد. از آن جایی که در برخی از کشورها شکاف جنسیتی بالایی دارند و زنان درصد ناچیزی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند، بهتر است این شکاف مورد توجه قرار گیرد.



نمودار ۱- فعالیت زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در ایران

منبع: World Bank, 2019

نمودار ۱ فعالیت زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات را در ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. فعالیت زنان در هر سه بخش طی سال‌های مذکور یکنواخت بوده و از نوسانات کمی برخوردار می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

جهت دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح گردید:

- فرضیه ۱- اشتغال زنان در بخش خدمات بر تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر معنی‌دار دارد.
- فرضیه ۲- اشتغال زنان در بخش کشاورزی بر تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر معنی‌دار دارد.
- فرضیه ۳- اشتغال زنان در بخش صنعت بر تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر معنی‌دار دارد.

روش پژوهش

با توجه به مبانی نظری و تجربی، در این تحقیق از چهار متغیر استفاده شده است. متغیر وابسته تحقیق به عنوان تولید ناخالص داخلی سرانه (برابری قدرت خرید) و متغیرهای مستقل به عنوان اشتغال زنان در بخش خدمات، اشتغال زنان در بخش کشاورزی و اشتغال زنان در بخش صنعت می‌باشند. جامعه آماری، کشورهای خاورمیانه بوده که با توجه به حداکثر اطلاعات موجود، کشورهای

اردن، ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان، عراق، بحرین، یمن مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های مربوط به کشورها در ارتباط با تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیرهای مستقل به عنوان اشتغال زنان در بخش خدمات، کشاورزی و صنعت از ارقام اعلام شده توسط بانک جهانی^۱ طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ استخراج شده و با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد فیشر^۲، نسبت درستی، F لیمر و هاسمن و در نهایت اثرات ثابت- داده‌های تابلویی معرفی و با استفاده از نرم‌افزار Eviews10 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بنابراین با توجه به مطالب فوق مدل زیر برای تحلیل و بررسی تأثیر اشتغال زنان بر تولید ناخالص داخلی سرانه به کار گرفته شده است:

$$GDP_{it} = \beta_0 + \beta_1 * ES_{it} + \beta_2 * EA_{it} + \beta_3 * EI_{it} + u_{it}$$

$$t = 1, \dots, T$$

$$i = 1, \dots, N$$

که در آن:

GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی سرانه (برابری قدرت خرید) (دلار)،

ES_{it} : اشتغال زنان در خدمات (% اشتغال زنان)،

EA_{it} : اشتغال زنان در کشاورزی (% اشتغال زنان)،

EI_{it} : اشتغال زنان در صنعت (% اشتغال زنان)،

U_{it} : جزء خطای تصادفی.

یافته‌های پژوهش

به منظور ارائه استنباطات صحیح در مورد متغیرهای سری زمانی باید در ابتدا از پایداری این متغیرها در طول زمان اطمینان یافت. بی‌توجهی به این مهم ممکن است به ارائه استنباط غلط درباره کمیت‌های بحرانی مدل و حاصل شدن رگرسیون کاذب منجر شود. لذا در این تحقیق در

¹ World bank

² Fisher- PP

ابتدا به کمک آزمون ریشه واحد فیشر^۱ اقدام به آزمون پایایی متغیرهای مورد استفاده گردیده است. که نتایج آن در جدول ۲ خلاصه شده است.

بدین ترتیب برای تعیین مرتبه بهینه الگو از آزمون ریشه واحد فیشر استفاده می‌شود. نتایج این معیارها در آزمون مذکور و در مقایسه با مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد برای همه متغیرها پایا و این مسأله مشاهده می‌شود که متغیرها ساکن از درجه صفر $I(0)$ بوده و نیازی به تفاضل‌گیری ندارد.

جدول ۲- پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آماره بحرانی	احتمال	نتیجه
تولید ناخالص داخلی سرانه	۳۱/۱۵	۰/۰۰	$I(0)$ پایا
اشتغال زنان در بخش خدمات	۳۲/۱۶	۰/۰۰	$I(0)$ پایا
اشتغال زنان در بخش کشاورزی	۲۵/۴۹	۰/۰۰	$I(0)$ پایا
اشتغال زنان در بخش صنعت	۴۱/۶۴	۰/۰۰	$I(0)$ پایا

همچنین، به منظور تشخیص داشتن همسانی یا ناهمسانی واریانس در مدل، از آزمون حداکثر درست‌نمایی استفاده شده است.

جدول ۳- آزمون حداکثر درست‌نمایی

Value	درجه آزادی	Probability	Likelihood ratio
۱۳۷/۲۸	۱۳	۰/۰۰	

از آن جا که مقدار احتمال کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا نمی‌توان از حداقل مربعات معمولی برای تخمین مدل استفاده نمود. در نتیجه، تخمین زننده حداقل مربعات وزنی یا تعمیم یافته برای تخمین مدل به کار گرفته شده است تا از تورش تخمین جلوگیری گردد.

برای انتخاب بین مدل Pool و اثرهای ثابت از آزمون F لیمر و انتخاب مدل مناسب از بین دو مدل Pool و اثرات تصادفی از آزمون LM استفاده شده است. ساختار این آزمون فرضیه عبارتند از:

H_0 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکان‌ها (مقاطع) برابر هستند

H_1 : پارامترهای عرض از مبدا در تمام مکان‌ها (مقاطع) برابر نیستند

¹ Fisher- PP

آماره آزمون با استفاده از مجموع مربعات پسماند مقید (RRSS) حاصل از تخمین مدل ترکیبی OLS و مجموع مربعات پسماند غیرمقید (URSS) حاصل از برآورد رگرسیون درون گروهی به صورت ذیل معرفی شده است:

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / N - 1}{URSS / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

در آزمون F فرضیه صفر یکسان بودن عرض از مبداها (روش Pool) در برابر فرضیه آلترناتیو، ناهمسانی عرض از مبداها، (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. بنابراین، در صورت رد فرضیه صفر روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به این که آماره آزمون بزرگتر از نقطه بحرانی به دست آمده است. در نتیجه، فرضیه صفر، مبتنی بر استفاده از Pool رد شده است. لذا از روش داده‌های پانل برای تخمین مدل استفاده گردیده است.

جدول ۴- نتایج آزمون لیمر

P_Value	درجه آزادی	آماره آزمون	
۰/۰۰	(۱۲،۶۲)	۳۴۰/۰۲	آماره F

وقتی از داده‌های تابلویی استفاده می‌شود، باید آزمون‌های مختلفی برای تشخیص روش تخمین مناسب انجام داد. در این میان، رایج‌ترین آن‌ها آزمون هاسمن بوده که برای انتخاب یکی از مدل‌های اثر ثابت یا اثر تصادفی به کار برده می‌شود.

$$\begin{cases} H_0: \text{عرض از مبداها یکسان است} \\ H_1: \text{عرض از مبداها یکسان نیست} \end{cases}$$

نتایج حاصل از آزمون هاسمن در جدول ۵ نشان داده شده است. با توجه به این که آماره آزمون بزرگتر از نقطه بحرانی و مقدار P_Value کوچکتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، در نتیجه، فرضیه صفر، مبتنی بر یکسان بودن عرض از مبداها رد شده است. لذا از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل استفاده گردیده است.

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون هاسمن

P_Value	درجه آزادی	آماره کای اسکوئر	
۰/۰۴	۳	۵۴/۰۶	Cross-section random

جدول ۶- نتایج برآورد مدل با روش داده های تابلویی- اثرات ثابت

P_Value	آماره T	انحراف استاندارد	ضرایب	متغیرها
۰/۰۰	۴/۲۸	۲۶۳/۶۹	۱۱۲۹/۳۱	ES
۰/۰۰	۴/۴۷	۲۵۲/۶۲	۱۱۳۰/۰۴	EA
۰/۰۰	۳/۵۹	۲۶۸/۶۸	۹۶۶/۰۱	EI
۰/۰۰	۵/۵۹	۲۵۸۰۵/۰۰	۱۴۴۴۸۵/۹	C
۰/۰۰	۱۷/۲۴	۰/۰۴	۰/۷۳	AR(1)

۵۲۶۷۴/۶۵	میانگین متغیر وابسته	۰/۹۹	R ²
۳۲۸۴۳/۷۱	انحراف استاندارد متغیر وابسته	۰/۹۹	R ² تعدیل یافته
۳۸۴۵۳۴۹۳	مجذور مربعات خطا	۱۰۴۸/۱۷	خطای استاندارد رگرسیون
۲/۰۹	آماره دوربین واتسون	۲۳۶۳/۲۳	آماره F
۰/۰۰		P_Value (F-statistic)	

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون‌های مربوطه، نتایج برآورد رابطه بالا به صورت زیر است:

$$GDP_{it} = 144485.9 + 1129.311 * ES_{it} + 1130.047 * EA_{it} + 966.0194 * EI_{it} + u_{it}$$

(4.282) (4.473) (3.595)

$$R^2 = 0.99$$

نتایج اثرات ثابت بیانگر آن است که متغیر اشتغال زنان در بخش خدمات بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت و معنی دار دارد. به عبارتی، توجه به مقدار آماره T که برابر با ۴/۲۸۲ بدست آمده است و از مقدار آماره بحرانی جدول بزرگتر بوده و هم چنین با توجه به مقدار احتمال این متغیر که برابر با ۰/۰۰۰۱ است، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد این متغیر از معنی داری لازم برخوردار است. از سوی دیگر، با توجه به ضریب بدست آمده برای این متغیر که برابر با

۱۱۲۹/۳۱۱ شده است، نتیجه گرفته می‌شود که با افزایش یک واحد اشتغال زنان در بخش خدمات، تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۱۲۹/۳۱۱ واحد افزایش یابد. همچنین متغیر اشتغال زنان در بخش کشاورزی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است. بدان معنی که آماره T برای این متغیر برابر با ۴/۴۷۳ و میزان احتمال این آماره برابر با ۰/۰۰۰۱ تخمین زده شده است، لذا براین اساس می‌توان گفت متغیر اشتغال زنان در بخش کشاورزی بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای مورد بررسی اثر معنی‌داری داشته است. در ضمن، ضریب این متغیر که برابر با ۱۱۳۰/۰۴۷ است که می‌توان گفت ضرایب شیب رگرسیون از لحاظ آماری مثبت و معنی‌دار برآورد شده است. همچنین، اشتغال زنان در بخش صنعت، نقش مثبت و معنی‌داری بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای مورد بررسی داشته است. یعنی با توجه به مقدار آماره T در این متغیر که عدد ۳/۵۹۵ را نشان می‌دهد و همچنین از آن جا که مقدار احتمال آن که برابر با ۰/۰۰۱۰ گردیده است، می‌توان بیان داشت این متغیر در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است. از سوی دیگر، با توجه به ضریب بدست آمده برای این متغیر که برابر ۹۶۶/۰۹۴ شده است، نتیجه گرفته می‌شود که با افزایش یک واحد اشتغال زنان در بخش صنعت، تولید ناخالص داخلی سرانه ۹۶۶/۰۹۴ واحد افزایش یابد.

همچنین، همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، مقدار R^2 برابر با ۰/۹۹ تخمین زده شده است که نشان از توضیح‌دهندگی بسیار بالای مدل دارد. باتوجه به آماره F که برابر با ۲۳۶۳/۲۳ و مقدار احتمال این آماره که برابر با ۰/۰۰ شده‌اند، می‌توان بیان داشت که کل مدل نیز از لحاظ آماری از معنی‌داری لازم برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

حضور گسترده زنان، پیامدهای مهمی همچون بالا رفتن سطح درآمد خانواده، کاهش بار سرپرستی مردان در خانواده و کاهش فشار اقتصادی بر آنان، بالا رفتن عرضه نیروی کار از سوی زنان و به تبع آن، کاهش هزینه‌های تولید و خدمات در کل جامعه داشته و رشد و توسعه اقتصادی را موجب شده است (Asadzadeh et al., 2017). در پژوهش حاضر، تأثیر سه متغیر فعالیت زنان در بخش کشاورزی، فعالیت زنان در بخش صنعت و فعالیت زنان در بخش خدمات بر تولید ناخالص داخلی سرانه در برخی کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از رویکرد اثرات ثابت بیانگر آن است که رابطه فعالیت زنان در سه بخش اقتصادی مذکور با متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و معنی‌دار برآورد شده است. با در نظر گرفتن متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق، افزایش هر یک از این متغیرها، افزایش تولید ناخالص داخلی

را در پی داشته است؛ بدین معنی که فعالیت زنان در بخش کشاورزی، در بخش صنعت و در نهایت در بخش خدمات، باعث افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای اردن، ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، اسرائیل، امارات متحده عربی، لبنان، کویت، عمان، عراق، بحرین، یمن می‌شود. همچنین، نتایج نشان داد که نسبت مشارکت در کار یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی هر کشور است. این نسبت که از طریق ضریب بیکاری جمعیت فعال به شاغل مشخص می‌شود، در برخی کشورها نسبت به دیگر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ پایین‌تر است. نیروی کار زنان یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت کشورها است. از سوی دیگر، اگر زنان کار کنند، از لحاظ اقتصادی خود را مستقل تلقی می‌کنند. چنین زنی هم خود را در زندگی اقتصادی‌اش بهتر باور دارد و هم می‌تواند در اجتماع مادر بهتری شود. به علاوه، زنانی که به آزادی اقتصادی می‌رسند، قادرند با اعتماد به نفس و عقاید منحصر به فردشان، سرنوشت کشورشان را عوض کنند. به همین دلیل استخدام زنان، موضوعی است که به منظور توسعه اقتصادی ایران و دیگر کشورها باید رویش فکر کرد.

فعالیت زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی می‌تواند نقش مؤثری در تولیدات کشور داشته باشد و بدین ترتیب لازمی دستیابی به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های بیشتر شغلی برای زنان، افزون بر سرمایه‌های مادی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است. زیرا سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، که عبارت است از آموزش و تربیت نیروی انسانی برای کسب مهارت‌های مختلف و پیشبرد امر تولید، می‌تواند، با بالا بردن سطح مهارت و تخصص نیروی کار و کارآمد کردن و افزایش قابلیت‌های آن، موجب ارتقای کیفیت تولید و کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی و به کارگیری بهینه آن‌ها شود (Sadeghi & Emadzadeh, 2004). بنابراین، زنانی که نسل‌های آینده را می‌سازند نباید از حقوقی که مردان در جامعه دارند، محروم باشند؛ زیرا اساس توسعه‌ی همه‌ی کشورها، روی مشارکت فعالانه زن و مرد در فعالیت‌های تولیدی است. در غیر این صورت، یک زندگی موفق غیر ممکن می‌شود و این احتمال وجود دارد که کشور فقیر شود و از هم بپاشد. از همین رو، افزایش استخدام زنان به اندازه‌ی استخدام مردان برای پیشرفت و بهبود کشور مهم است. انتظار می‌رود که مشارکت زنان در نیروی کار و درآمدزایی کمک شایانی به توسعه و تسریع رشد هر کشور کند. ضروری است که در این زمینه اقدامات لازم را برای شرکت در نیروی کار بانوان انجام شود.

¹ OECD

References:

- Abbasi Asfajir, Ali Asghar and Rezaei Roshan, Hoda (2017), Investigating the Affecting Factors on Women's Participation in Selected Middle Eastern Countries (Using Panel Data), *Journal of Women and Society*, Vol. 8, No. 3, pp. 73-92 (Persian).
- Abonouri, Esmaeel and Gholami, Najmeh (2010), Investigation of Women Employment Process Compared to Men, and Factors Affecting Women's Employment Share in Iran Industry, *Socio-Psychological Studies of Women*, Vol. 1, No. 7, pp. 31-54 (Persian).
- Aligholi, Mansoureh (2016), The Relationship between Women's Labor Force and Economic Development in Islamic Countries, *Women's Social Psychological Studies*, Vol. 14, No. 2, pp. 63-86 (Persian).
- Al-Imran, Roya & Al-Imran, Ali (2014), The Effect of Women's Indices on Economic Growth in Middle Eastern and North African Regions (MENA), *Women and Family Studies*, Year 6, Number Twenty-third, pp. 7-30 (Persian).
- Asadzadeh, Ahmad; Mirani, Nina; Ghazi Khani, Forough; Esmaeil Darjani, Najmeh, Honardoost, Attiyeh (2017), Investigation the Role of Women's Employment and Education on Iran's Economic Growth, *Women in Development and Politics*, Volume 15, Issue 3, Pages 359-381 (Persian).
- Bashirahasan, Moslem and Ghazbaninejad, Ribaz (2017), The role of entrepreneurial women in rural economic development. Case study: Khoramroud Districts in Tuyserkan County, *Scientific-Research Journal of Geographical Survey of the Territory*, Year 14, No. 53, pp. 93-107 (Persian).
- Çatalbaş K.G.(2015), Kadınların İşgücüne Katılımını Belirleyen Faktörlerin Belirlenmesi: Panel Veri Yaklaşımı, *Kafkas Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, Vol.6, no.10, 249-280.
- Cavalcanti, T. and V., Tavares, J. (2011), Women prefer larger governments: Growth, structural transformation, and government size, *Economic Inquiry*, Vol.49, no.1, pp.155-171.
- Fernández, R. (2013), Cultural change as learning: The evolution of female labor force participation over a century, *The American Economic Review*, Vol. 103, no.1, pp.472-500.
- Gaddis, I. and Klasen, S. (2014), Economic Development, Structural Change and Women's Labor Force Participation: A Reexamination of the Feminization U Hypothesis. *Journal of Population Economics*, Vol. 27, no. 3, pp.639-681.
- Goldin, C. (1995), The U-Shaped Female Labor Force Function in Economic Development and Economic History. In: Schultz,T.P.(eds.) *Investment in Women's Human Capital*, University of Chicago Press.
- Heydari, Hasan and Abdol-Alizadeh, Firouz (2016), The Relationship between Development of Education, Economic Growth, Urbanization and Information & Communication Technology, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Volume 22, No. 2, Pages 77-98 (Persian).
- Karimimoghari, Zahra; Nazifinayini, Minoo; Abbaspour, Sahar (2013), Economic Factors Affecting on Women's Employment in Iran; *Social Psychological Studies of Women*, Vol. 11, No. 3, pp. 53-80 (Persian).

- Kaur, H. and Tao, X. (Ed.). (2014), ICTs and the Millennium Development Goals: A United Nations Perspective, Springer.
- Kavand, Hussein, Avazalipour, Mohammad Sadegh, Zandi, Fatemeh, Damankeshideh, Marjan (2011), Scientific-Research Journal of Economic Policy, Year. 3, No. 6, pp. 189-212 (Persian).
- Lechman E. and H. Kaur (2015), Economic Growth and Female Labor Force Participation – Verifying the U-feminization Hypothesis. New Evidence for 162 Countries Over the Period 1990-2012, Economics and Sociology, Vol.8, no.1, pp.246-257.
- Mila Elmi, Zahra and Roostaei Shalmani, Khizran (2014), The Impact of Development on the Economic Participation of Women in Mana Countries Using the Fraction Probit Panel Method, Economic Growth and Development Research, fourth year, No. 14, pp. 11-28 (Persian).
- Mujahid N. and Zafar N.U. (2012), Economic Growth-Female Labour Force Participation Nexus: An Empirical Evidence for Pakistan. The Pakistan Development Review, Vol.51, no.4, pp.565–586.
- Sadeghi, Masoud and Emadzadeh, Mostafa (2004), An Analysis of the Effective Economic Factors in the Employment of Women in Iran, Women's Research, Volume 2, Issue 1, Pages 5-22 (Persian).
- Safakish, Mohadeseh, and Fallah Mohsenkhani, Zohreh (2016), Investigation the Women's Economic Participation in the Labor Market of Iran, Journal of Iranian Statistical Studies, Vol. 27, No. 1, pp. 103-119 (Persian).
- Shahiki Tash Mohammad Nabi; Molaei, Saber; Dinarzehi, Khadijeh (2013), The Study of the Relationship between Economic Growth and Social Welfare in Iran Based on the Baysin Approach, Scientific-Research Journal of Economic Growth and Development, Vol. 4, No. 16, pp. 41-52 (Persian).
- Tam H. (2011). U-shaped Female Labor Participation With Economic Development: Some Panel Data Evidence, Economics Letters, Vol. 110, pp.140–142.
- Zanganeh, Meysam; Niazi, Isa; Mirkatooli, Rahil; Ashoori, Elham; Bagheri, Ramin (2014), Ranking Factors Affecting Entrepreneurial Employment of Entrepreneurs Women Using TOPSIS Technique (Case Study: Khorasan Razavi Province Cooperative Division), Letter Research for Women, Humanities and Cultural Studies Institute, fourth year, Vol. 1, pp. 83-110 (Persian).